

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



نکته‌ها در حقوق تجارت

مؤلف:

آرش هاشمی

انتشارات چتر دانش

- **سرشناسه** : هاشمی، آرش، ۱۳۶۴-
 - **عنوان قراردادی** : ایران. قوانین و احکام
Iran. Laws, etc
 - **عنوان و نام پدیدآور** : نکته‌ها در حقوق تجارت/ مؤلف آرش هاشمی
 - **مشخصات نشر** : تهران: چتر دانش، ۱۳۹۹
 - **مشخصات ظاهری** : ۴۸۳ص
 - **شابک** : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۴۰۲-۹
 - **وضعیت فهرست‌نویسی**: فیپا
 - **یادداشت** : کتابنامه
 - **موضوع** : حقوق تجارت -- ایران -- راهنمای آموزشی (عالی)
 - **موضوع** :
- Commercial law -- Iran -- Study and teaching (Higher)
- **رده بندی کنگره** : KMH۹۲۰
 - **رده بندی دیویی** : ۳۴۶/۵۵۰۷
 - **شماره کتابشناسی ملی** : ۶۱۲۰۵۷۱

- **نام کتاب** : نکته‌ها در حقوق تجارت
- **ناشر** : چتر دانش
- **مؤلف** : آرش هاشمی
- **نوبت و سال چاپ** : اول- ۱۳۹۹
- **شمارگان** : ۱۰۰۰
- **شابک** : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۴۰۲-۹
- **قیمت** : ۷۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نیری جاوید(اردیبهشت‌شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.



سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزشی عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به‌منصه ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱ کمیسیون قوانین عدلیه با اصلاحات بعدی)..... ۹

۹ باب اول: تجار و معاملات تجاری
۲۵ باب دوم: دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری
۲۵ فصل اول: دفاتر تجاری
۳۲ فصل دوم: دفتر ثبت تجاری
۳۴ باب سوم: شرکت های تجاری
۳۴ فصل اول: در اقسام مختلفه شرکت ها و قواعد راجعه به آنها

لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (مصوب ۱۳۴۷ کمیسیون خاص مشترک مجلسین) ۳۶

۳۶ مبحث اول: شرکت های سهامی
۳۶ بخش اول: تعریف و تشکیل شرکت سهامی
۵۵ بخش دوم: سهام
۶۵ بخش سوم: تبدیل سهام
۶۸ بخش چهارم: اوراق قرضه
۷۶ بخش پنجم: مجامع عمومی
۹۸ بخش ششم: هیئت مدیره
۱۲۴ بخش هفتم: بازرسان
۱۳۲ بخش هشتم: تغییرات در سرمایه شرکت
۱۵۲ بخش نهم: انحلال و تصفیه
۱۶۷ بخش دهم: حساب های شرکت
۱۷۲ بخش یازدهم: مقررات جزایی
۱۸۰ بخش دوازدهم: مقررات مختلف مربوط به شرکت های سهامی
۱۹۴ مبحث دوم: شرکت با مسئولیت محدود
۲۱۲ مبحث سوم: شرکت تضامنی
۲۲۵ مبحث چهارم: در شرکت مختلط غیرسهامی
۲۳۲ مبحث پنجم: شرکت مختلط سهامی

۲۳۸	مبحث ششم: شرکت نسبی
۲۴۰	مبحث هفتم: شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف
۲۴۴	فصل دوم: در مقررات راجع به ثبت شرکت‌ها و نشر شرکت‌نامه‌ها
۲۴۷	فصل سوم: در تصفیه امور شرکت‌ها
۲۵۳	فصل چهارم: مقررات مختلفه
۲۵۶	باب چهارم: برات - فته‌طلب - چک فصل اول: برات مبحث اول: صورت برات
۲۶۳	مبحث دوم: در قبول و نکول
۲۷۰	مبحث سوم: در قبولی شخص ثالث
۲۷۲	مبحث چهارم: در وعده برات
۲۷۳	مبحث پنجم: ظهرنویسی
۲۷۸	مبحث ششم: مسئولیت
۲۸۵	مبحث هفتم: در پرداخت
۲۹۱	مبحث هشتم: تأدیه وجه برات به واسطه شخص ثالث
۲۹۳	مبحث نهم: حقوق و وظایف دارنده برات
۲۹۹	مبحث دهم: در اعتراض (پروتست)
۳۰۱	مبحث یازدهم: برات رجوعی
۳۰۳	مبحث دوازدهم: قوانین خارجی
۳۰۴	فصل دوم: در فته‌طلب
۳۰۸	فصل سوم: چک
۳۱۴	فصل چهارم: در مرور زمان
۳۱۷	باب پنجم: اسناد در وجه حامل
۳۲۱	باب ششم: دلالی
۳۲۱	فصل اول: کلیات
۳۲۶	فصل دوم: اجرت دلال و مخارج
۳۲۸	فصل سوم: دفتر
۳۲۹	باب هفتم: حق العمل کاری (کمسیون)
۳۳۶	باب هشتم: قرارداد حمل و نقل

باب نهم: قائم مقام تجارتي و ساير نمايندگان تجارتي.....	۳۴۶
باب دهم: ضمانت.....	۳۴۹
باب يازدهم: در ورشكستگي.....	۳۵۲
فصل اول: در كلييات.....	۳۵۲
فصل دوم: در اعلان ورشكستگي و اثرات آن.....	۳۵۳
فصل سوم: در تعيين عضو ناظر.....	۳۶۰
فصل چهارم: در اقدام به مهر و موم و ساير اقدامات اوليه نسبت به ورشكسته.....	۳۶۲
فصل پنجم: در مدير تصفيه.....	۳۶۴
فصل ششم: در وظائف مدير تصفيه.....	۳۶۵
مبحث اول: در كلييات.....	۳۶۵
مبحث دوم: در رفع توقيف و ترتيب صورت دارايي.....	۳۶۸
مبحث سوم: در فروش اموال و وصول مطالبات.....	۳۶۹
مبحث پنجم: در تشخيص مطالبات طلبكارها.....	۳۷۱
مبحث چهارم: در اقدامات تأمينيه.....	۳۷۱
فصل هفتم: در قرارداد ارفاقي و تصفيه حساب تاجر ورشكسته.....	۳۷۶
مبحث اول: در دعوت طلبكارها و مجمع عمومي آنها.....	۳۷۶
مبحث دوم: در قرارداد ارفاقي.....	۳۷۷
فقره اول: در ترتيب قرارداد ارفاقي.....	۳۷۷
فقره دوم: در اثرات قرارداد ارفاقي.....	۳۸۱
فقره سوم: در ابطال يا فسخ قرارداد ارفاقي.....	۳۸۳
مبحث سوم: در تفرغ حساب و ختم عمل ورشكستگي.....	۳۸۶
فصل هشتم: در اقسام مختلفه طلبكارها و حقوق هر يك از آنها.....	۳۹۰
مبحث اول: در طلبكارهايي كه رهينه منقول دارند.....	۳۹۰
مبحث دوم: در طلبكارهايي كه نسبت به اموال غيرمنقول حق تقدم دارند.....	۳۹۱
فصل نهم: در تقسيم بين طلبكارها و فروش اموال منقول.....	۳۹۲
فصل دهم: در دعوي استرداد.....	۳۹۴
فصل يازدهم: در طرق شكايه از احكام صادره راجع به ورشكستگي.....	۳۹۹

باب دوازدهم: در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب	۴۰۲
فصل اول: در ورشکستگی به تقصیر	۴۰۲
فصل دوم: در ورشکستگی به تقلب	۴۰۵
فصل سوم: در جنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می‌شوند	۴۰۷
فصل چهارم: در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت ورشکستگی به تقصیر یا تقلب	۴۱۱
باب سیزدهم: در اعاده اعتبار	۴۱۲
باب چهاردهم: اسم تجارتي	۴۱۸
باب پانزدهم: شخصیت حقوقی	۴۲۰
فصل اول: اشخاص حقوقی	۴۲۰
فصل دوم: حقوق و وظایف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی	۴۲۱
باب شانزدهم: مقررات نهایی	۴۲۵

قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مصوب ۱۳۷۶

قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی

لایحه قانونی ممنوعیت خروج بدهکاران از بانک‌ها مصوب ۱۳۵۹

قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸

مبحث اول: سازمان اداره تصفیه	۴۶۳
مبحث دوم: اقدامات تأمینی اداره تصفیه	۴۶۶
مبحث سوم: دعوت بستانکاران	۴۶۸
مبحث چهارم: اداره اموال	۴۷۰
مبحث پنجم: رسیدگی به مطالبات	۴۷۱
مبحث ششم: تصفیه	۴۷۳
مبحث هفتم: تقسیم وجوه حاصله از فروش	۴۷۶
مبحث هشتم: خاتمه ورشکستگی	۴۷۷
مبحث نهم: مقررات مالی	۴۷۸
مبحث دهم: مقررات مخصوص	۴۸۰

منابع

پیشگفتار

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

حمد و سپاس که توفیق آن را عطا فرمود تا در کنار فعالیت‌های وکالتی کتابی تألیف و تقدیم شما بزرگواران نمایم.

۱- در مجموعه حاضر تحت عنوان نکته‌ها در حقوق تجارت حتی‌الامکان کوشش‌م بر این بوده که اولاً در عین اختصار جنبه آموزشی داشته و نیاز شرکت‌کنندگان آزمون‌های حقوقی بالاخص وکالت و قضاوت مرتفع گردد و ثانیاً تا حد ممکن از بیان موارد اختلاف نظری که غالباً منجر به سردرگمی می‌گردد پرهیز و صرفاً به نظر غالب یا مورد نظر طراحان سؤال بسنده گردد.

۲- اساساً سعی بر این بوده که آثار اساتید این شاخه از علم حقوق عیناً خلاصه گردیده و در اختیار دانشجویان و داوطلبان عزیز قرار گیرد لذا از بزرگوارانی که این مجموعه را مطالعه می‌فرمایند انتظار می‌رود حظ و بهره این کتاب را به پای اساتید مرقوم بنویسند و گرنه بنده در تألیف کتاب حاضر تنها تدوین‌کننده مطالب مشاورالیه بوده‌ام و لاغیر.

۳- قطعاً این مجموعه خالی از ایراد و اشکال نخواهد بود لذا از خوانندگان محترم تقاضامندم نظرات و پیشنهادات سازنده خویش را از طریق مدیریت محترم انتشارات چتر دانش در اختیار اینجانب قرار دهند بدیهی است انتقادهای سازنده را بر دیده متت خواهم نهاد و از آنها بهره خواهم برد.

آرش هاشمی

اسفند ۱۳۹۸

قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ کمیسیون قوانین

عدلیه با اصلاحات بعدی)

باب اول: تجار و معاملات تجاری

ماده ۱- تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.

نکات

- ۱- اگر کسی به نام و حساب دیگری عمل تجاری انجام دهد، آن عمل آمر را تاجر می‌کند، نه انجام‌دهنده آن را.
 - ۲- منظور از «امور تجاری» اموری است که قانون‌گذار آن‌ها را ذاتاً تجاری می‌داند؛ بنابراین اعمال تجاری تبعی را نمی‌توان ملاک تاجر بودن قرار داد.
 - ۳- اعمال تجاری تبعی وقتی تجاری هستند که تاجر آن‌ها را انجام دهد؛ بنابراین قائم‌مقام تجاری، خدمه تجارت‌خانه، شرکاء و سهام‌داران و همچنین مدیران شرکت‌های تجاری را نمی‌توان تاجر محسوب نمود. (م ۳۹۵ ق ت، م ۵۴ ل.ا.ق.ت)
 - ۴- منظور از کسی در این ماده «شخص» اعم از حقیقی یا حقوقی است؛ بنابراین، تاجر ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی باشد.
 - ۵- ماده مزبور برای تاجر بودن ۲ شرط پیش‌بینی کرده است؛
اولاً: انجام دادن امور تجاری به نام و حساب خود شخص، منظور «معاملات تجاری ذاتی» مندرج در م ۲ ق.ت است؛ بنابراین نمی‌توان اعمال تجاری تبعی را ملاک تاجر بودن قرار داد؛ زیرا این اعمال خود وقتی تجاری هستند که تاجر آن‌ها را انجام دهد.
ثانیاً: شغل معمولی شخص انجام دادن معاملات تجاری باشد.
- منظور از «شغل معمولی» این است که شخص برای امرار معاش به معاملات تجاری پردازد، نکته قابل توجه این است که برای تاجر به حساب آمدن، لازم نیست صرفاً به کارهای تجاری، موضوع م ۲ ق.ت پرداخته شود؛ بلکه اگر در کنار اشتغال به تجارت به کار غیرتجاری دیگری نیز مشغول باشد باز هم تاجر محسوب می‌شود (اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، کلیات معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری، ص ۹۶-۹۷).

۶- برای تاجر به حساب آمدن معامله باید برای خود شخص باشد؛ یعنی سود و زیان معامله به خود شخص برسد؛ بنابراین معامله وکیل برای موکل، موجب تاجر شناخته شدن شخص نیست (دمیرچیلی، قانون تجارت در نظم کنونی، یادداشت ۴/۱ ذیل م ۱ ق.ت).

۷- شرکت‌های تجاری تاجر محسوب می‌شوند، چه موضوع آن‌ها تجاری باشد مثل شرکت‌های تضامنی، نسبی، با مسئولیت محدود، مختلط سهامی و غیرسهامی و چه به لحاظ شکل، تجاری تلقی شود مانند شرکت‌های سهامی خاص و عام.

۸- شرکت تعاونی را باید از شرکت‌هایی تلقی کرد که موضوع فعالیت آن‌ها می‌تواند هم امور تجاری و هم غیرتجاری باشد؛ بنابراین اگر موضوع فعالیت شرکت تعاونی انجام دادن یکی از اعمال تجارتهای مندرج در م ۲ ق.ت باشد شرکت تجارتهای و در غیر این صورت مؤسسه غیرتجارتی هستند.

۹- اشخاص حقوقی موضوع حقوق عمومی.

اول- دولت و تشکیلات و مؤسسات دولتی مستقل

این اشخاص حقوقی در قالب شرکت تشکیل نمی‌شوند و علی‌رغم آنکه در بعضی موارد به فعالیت‌های موضوع م ۲ ق.ت چون ساخت اسلحه یا کشتی‌های جنگی می‌پردازند از آنجا که برای اهداف تجاری بدین امور نمی‌پردازند؛ بلکه ناشی از وظایفی است که در جهت اعمال حاکمیتی برای اداره مملکت به عهده دارند، تاجر محسوب نمی‌شوند.

دوم- شرکت‌های دولتی

شرکت‌های دولتی تا آنجا که در اساسنامه آنها قید نشده باشد، شکل شرکت سهامی را دارند؛ بنابراین به استناد م ۲ ل.ا.ق.ت، می‌توانند بازرگانی تلقی شوند. در واقع شرکت دولتی که جهت انجام اعمال تصدی‌گری دولت تشکیل می‌شود، شرکتی است که بیش از پنجاه درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد (اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، کلیات... ص ۱۰۷ - ۹۴).

۱۰- با توجه به مواد ۸۵ و ۸۶ ق.ا.ج، معامله تجاری صغیر ممیز باطل تلقی نمی‌شود؛ بلکه غیرنافذ است و با اذن قبلی ولی یا قیم دارای نفوذ و با اجازه بعدی آن‌ها قابل تنفیذ است. مع الوصف ولی و قیم نمی‌توانند به نمایندگی از طرف محجور تجارت کنند. (اسکینی، همان، ص ۱۲۵)

۱۱- نماینده قانونی نمی‌تواند به نمایندگی از طرف محجور تجارت کند، چه تجارت مستلزم این است که شخص به حساب خود عمل کند در حالی که نماینده محجور به حساب خود عمل نمی‌کند؛ بنابراین در این فرض با عدم امکان اداره تجاری تجارتخانه مواجه هستیم و اگر در عمل به تجارت پرداخته شود نه محجور و نه نماینده او را نمی‌توان تاجر تلقی کرد.

در نهایت تجارت‌خانه باید به فروش برسد یا به اجاره واگذار شود و یا به‌عنوان آورده به شرکتی تجاری منتقل شود و محجور به‌عنوان شریک در شرکت تجاری سهیم گردد زیرا در هیچ‌یک از این حالت‌ها عمل تجاری صورت نمی‌پذیرد (اسکینی، ربیعا، همان، ص ۱۵۳) البته در مورد محجوریت شریک یا شرکای ضامن در شرکت تضامنی و مختلط غیرسهامی م ۱۴۰ و ۱۶۰ ق.ت و در مورد محجوریت شریک یا شرکای نسبی به م ۱۸۹ ناظر به بند (و) م ۱۳۶ و م ۱۴۰ ق.ت مراجعه کنید.

۱۲- اشخاصی که از شغل تجارت ممنوع هستند عبارتند از:

الف- دفاتر اسناد رسمی و سردفتران (به‌طور مطلق از شغل تجارت ممنوع هستند)، (ر.ک م ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران ۱۳۵۴).

ب- قضات (به‌طور مطلق از شغل تجارت ممنوع هستند). (ر.ک قانون استخدام قضات)

ج- کارمندان گمرک فقط از حق العمل‌کاری در گمرک ممنوع‌اند، اما ایشان می‌توانند بدون هیچ ممنوعیتی در زمینه‌های دیگر تجاری به تجارت اشتغال ورزند (م ۳۷۶ آیین‌نامه امور گمرکی).

۱۳- چنانچه شخصی که به حکم قانون از اشتغال به تجارت ممنوع است؛ ولی تجارت را شغل خود قرار دهد، تاجر محسوب نمی‌شود؛ اما اعمال وی تجاری محسوب می‌شود.

۱۴- شرکت سهامی حتی اگر شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار ندهد، باز هم شرکت تجاری محسوب می‌شود.

۱۵- تقاضای اعسار برای اشخاص غیرتاجر و کسبه جزء به کار می‌رود و تقاضای ورشکستگی مختص به شخص تاجر است البته باید توجه داشت که کسبه جزء نیز تاجر به حساب می‌آیند؛ لذا در امر تصفیه و ورشکستگی تابع قانون اعسار هستند.

۱۶- اگر مدعی اعسار تاجر بودن خود را منکر شود، دادگاه می‌بایست نسبت به این موضوع رسیدگی لازم کند و دادگاه نمی‌تواند به‌صرف اینکه در اجاره‌نامه رسمی شغل او را تاجر ذکر نموده او را تاجر دانسته و دادخواست اعسار او را رد نماید (رأی شماره ۴۲-۱۳۲۸/۱۲/۱۵- متین دفتری، ج ۴، ص ۴۷).

۱۷- عمل دلالتی ذاتاً عمل تجاری است و اشتغال به آن نیازمند داشتن پروانه دلالتی است؛ بنابراین معاملات دلال فاقد پروانه تجاری محسوب شده؛ لذا وی مستحق مجازات کیفری مقرر در قانون است؛ یعنی حبس از ۶ ماه تا ۲ سال به‌همراه جزای نقدی (م ۹م قانون راجع به دلالان).

۱۸- دلال باید تابعیت ایرانی داشته باشد در غیر این صورت عمل وی تجاری است؛ لیکن او را نمی‌توان دلال فرض نمود، مگر اینکه به تابعیت جمهوری اسلامی درآید و پروانه دلالتی

دریافت نماید (ر.ک آیین‌نامه مؤسسات حمل‌ونقل ۱۳۱۶).

۱۹- در فرضی که قیّم یا ولی به حساب مولی‌علیه تجارت کند، قیّم یا ولی یا مولی‌علیه هیچ‌یک تاجر محسوب نمی‌شوند.

۲۰- صغیر با اذن ولی می‌تواند در شرکت سهامی یا غیر آن سرمایه‌گذاری کند.

۲۱- در عقد مضاربه تنها مضارب، تاجر محسوب می‌شود.

۲۲- با توجه به هدف کسب سود در حقوق تجارت فعالیت‌های عام‌المنفعه و خیریه در قلمرو حقوق تجارت قرار نمی‌گیرند؛ اگرچه ممکن است یک شرکت تجاری یا یک تاجر فعالیتی عام‌المنفعه نیز انجام دهد؛ لذا اگر یک شرکت سهامی در کنار فعالیت‌های تجاری خود امور خیریه نیز انجام بدهد؛ اگرچه شرکت تاجر است، اما فعالیت خیریه به‌هیچ‌وجه تجاری نیست. در واقع بعضی فعالیت‌ها به‌هیچ‌وجه نمی‌توانند تجارتی باشند، اگرچه توسط تاجر انجام شود. برای مثال امور آموزشی، خیریه، نظامی، و خرید و فروش اموال غیرمنقول حتی اگر توسط اشخاص تاجر حقیقی و حقوقی انجام شود به‌هیچ‌وجه تجارتی نبوده و نمی‌توان گفت چون تاجر این را انجام داده است به تبع شخصیت وی این فعالیت‌ها را تجاری تبعی دانست. (ارشدی، غلامحسین، هزار نکته کلیدی حقوق تجارت، انتشارات چتر دانش ۱۳۹۶، ص ۱۰)

۲۳- مدیران شرکت‌های سهامی و قائم‌مقام تجارتی هیچ‌یک تاجر محسوب نمی‌شوند.

۲۴- قراردادهایی که زن درباره اموال خود بسته است، حتی اگر پس از مخالفت شوهر خود

امضا کرده باشد نافذ است و با حکم دادگاه باطل نمی‌شود. (م ۱۱۱۸ ق.م)

زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند برای بازداشتن زن از تجارت دادگاه می‌تواند از طریق صدور حکم به جریمه مستمر او را اجبار کند و شوهر

می‌تواند از او خسارت بگیرد (کاتوزیان، ناصر، خانواده، ج ۱ ش ۱۳۸)

م ۱۸ ق.ح.خ (مصوب ۱۳۵۳) مقرر می‌دارد: «شوهر می‌تواند با تأیید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می‌کند.»

۲۵- نانوا با وجود فروش زیاد تاجر محسوب نمی‌شود (ر.ک. حکم ۴۳۶-۱۳۱۷/۶/۲۶ به نقل

از شرح قانون تجارت، آزادپور، مهدی انتشارات ارشد، ص ۱۵)

۲۶- در حقوق ایران معیار پذیرفته‌شده برای تشخیص تاجر از غیرتاجر، سیستم مختلط (شخصی- موضوعی) است.

طبق معیار شخصی (تبعی) اعمال تجاری آن دسته اعمالی است که تاجر به انجام آن‌ها مبادرت

می‌نماید (م ۳ ق.ت ۱۳۱۱).

طبق معیار موضوعی (ذاتی) تاجر بودن یا نبودن معامل در نظر گرفته نمی‌شود و ملاک، تجاری بودن اعمال صورت گرفته است (م ۲ ق.ت ۱۳۱۱).

ماده ۲- معاملات تجاری از قرار ذیل است:

- ۱- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.
- ۲- تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.
- ۳- هر قسم عملیات دلالی یا حق‌العمل‌کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود؛ از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.
- ۴- تسهیل و به‌کارانداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.
- ۵- تصدی به عملیات حراجی.
- ۶- تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی.
- ۷- هر قسم عملیات صرافی و بانکی.
- ۸- معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیرتاجر باشد.
- ۹- عملیات بیمه بحری و غیربحری.
- ۱۰- کشتی‌سازی و خریدوفروش کشتی و کشتی‌رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آن‌ها.

نکات

- ۱- معاملات موضوع این ماده ذاتاً تجاری به شمار می‌آید و تاجر بودن یا نبودن عامل تأثیری در ماهیت این نوع اعمال ندارد. این اعمال، اعمال تجاری موضوعی، اصلی یا ماهوی نامیده می‌شوند (دمیرچیلی، قانون تجارت در نظم کنونی حقوقی، ص ۳۹)
 - ۲- اگر فعالیت ذاتاً تجاری باشد دیگر اساساً این فعالیت نمی‌تواند تبعاً تجاری باشد بنابراین فعالیت یا ذاتاً تجاری است یا تبعاً (ارشدی، همان، ص ۱۰).
 - ۳- منظور از تحصیل مندرج در بند ۱ م ۲؛ کلیه طرق به دست آوردن مال و تملک می‌باشد (اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، کلیات معاملات تجاری، تاجر و سازماندهی فعالیت تجاری، ص ۶۴)
- البته پرواضح است، منظور واژه تحصیل مذکور عملیات مشروع حقوقی ارادی برای کسب مالکیت یک مال منقول است؛ پس موارد نامشروع همچون غصب و سرقت و اموال ناشی

از کلاهبرداری و موارد قهری و غیرارادی همچون ارث رسیدن اموال و مالکیت ما فی الذمه مشمول بند ۱ م ۲ ق.ت نیست.

۴- قانون تجارت درباره فروش ذکری از تجاری بودن معامله نکرده است؛ ولی واضح است که خرید به قصد فروش شامل هر دو عمل خرید و فروش می‌گردد و نمی‌توان فروش اجناس را به وسیلهٔ تجار عمل تجاری محسوب نکرد (ستوده تهرانی، حقوق تجارت، ج ۱، ص ۴۶).

۵- قصد فروش یا اجاره باید حین خرید یا تحصیل وجود داشته باشد؛ اما برای آنکه عمل تجاری باشد، لازم نیست مال حتماً به فروش رسد یا به اجاره داده شود. اگر خریدار یا تحصیل‌کننده به هر دلیلی نتواند مال به دست آورده را بفروشد یا اجاره دهد عمل خرید یا تحصیل تجارتي باقی خواهد ماند.

به عکس؛ اگر کسی مالی را بخرد یا تحصیل کند بدون آنکه قصد فروش یا اجاره آن را داشته باشد عمل خرید یا تحصیل مدنی باقی می‌ماند؛ حتی اگر فرد بعدها تصمیم بگیرد مال را بفروشد یا اجاره دهد.

در واقع عمل خرید یا تحصیل مذکور (در بند ۱ م ۲) ذاتاً جنبهٔ تجاری دارد و عمل فروش یا اجاره مالی که به همین قصد خریداری یا تحصیل شده تبعاً وصف تجاری دارد؛ یعنی تجاری است چون تاجر آن را انجام می‌دهد؛ بنابراین اگر خرید یا تحصیل تجاری نباشد عمل فروش یا اجاره نیز تجاری تلقی نمی‌شود. (اسکینی، همان، ص ۶۴)

۶- لزومی ندارد که خرید یا تحصیل مال قبل از فروش آن اتفاق افتد اغلب اتفاق می‌افتد که تاجر بعد از فروش جنس مبادرت به خرید اجناس مورد معامله می‌نماید و با وجود آن که فروش قبل از خرید انجام گرفته است باز عمل خرید یا تحصیل مال تجاری محسوب می‌گردد. (ستوده تهرانی، حقوق تجارت، ج ۱، ص ۴۶)

۷- به موجب م ۵۴ ل.ا.ق.ت مصوب ۱۳۴۷؛ پذیره‌نویسی و خرید اوراق قرضه عمل تجاری نیست.

۸- می‌توان گفت پیشه‌وران تاجر محسوب نمی‌شوند؛ برای مثال خیاطی که پارچه را می‌خرد و آن را به لباس تبدیل می‌کند و درآمدش حاصل کار او بر روی پارچه است، اگرچه پارچه را خریده است که بعد از تصرف بفروشد، تجاری تلقی نمی‌شود.

هنرمند نقاشی که رنگ و کاغذ یا پارچه مخصوص نقاشی می‌خرد و پس از تبدیل به یک تصویر آن را می‌فروشد عمل تجاری انجام نمی‌دهد.

عمل نجاری که تخته را می‌خرد و آن را به در و پنجره تبدیل می‌کند و می‌فروشد بدون آنکه از فروش خود تخته‌ها سودی مطالبه کند و نیز سازندهٔ وسایل موسیقی از چوب و فلز تجاری محسوب نمی‌شود؛ ولو تمام موارد مذکور و موارد مشابه، درآمد حاصل از فروش مال نیست بلکه نان از عمل خویش می‌خورد.

فی الواقع هرچه ارزش کار نسبت به قیمت خود مال بیشتر باشد، باید فرض بر این گرفت که عمل تجاری نیست (اسکینی، همان، ص ۷۱).

۹- باید فرقی بین تاجر و پیشه‌ور قائل شد؛ زیرا پیشه‌ور کسی است که در مقابل مزد و اجرت عملی را انجام می‌دهد و از خود سرمایه ندارد که به کار اندازد تا قبلاً اجناس را خریده و بعداً آن‌ها را تبدیل و به فروش رساند. مثلاً کفاشی که شخصاً چرم خریده و آن را در مغازه خود تبدیل به کفش نموده و کفش‌های دوخته حاضر را به فروش می‌رساند عمل تجاری انجام می‌دهد؛ ولی پاره‌دوزی که در مقابل اجرت معین کفش دیگران را تعمیر می‌کند پیشه‌ور است و اگر هم برای لوازم کار خود چرم حاضر داشته باشد آن را به حساب مشتریان منظور خواهد نمود و خرید او به قصد فروش نبوده است بلکه برای تسهیل انجام مراجعات مشتریان خود می‌باشد. به همین طریق آهنگری که آهن را خریده و آن را تبدیل به در و پنجره و صندلی می‌نماید و این اشیا را به صورت ساخته‌شده می‌فروشد عمل تجاری انجام می‌دهد، در صورتی که لوله‌کش یا آهنگری که اشیا مشتریان خود را تعمیر می‌کند یا به منازل مشتریان خود رفته و تأسیسات آن‌ها را در مقابل اجرت تعمیر می‌کند، پیشه‌ور است و ممکن است خریدهایی نیز به حساب مشتریان خود بکند (ستوده تهرانی، ج ۱، ص ۴۶).

۱۰- نوع مال خریداری شده یا تحصیل شده مذکور (در بند ۱ م ۲) باید مال منقول باشد و

منظور از مال منقول اشیا مادی خارجی است (اسکینی، همان، ص ۶۸)

۱۱- با عنایت به نکته فوق خرید و فروش اموال غیرمنقول به هیچ وجه تجاری نیست خواه به وسیله شخص حقوقی انجام گیرد یا حقیقی، وفق م ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها بر این قاعده یک استثنا وارد شده است؛

«انواع شرکت‌های موضوع م ۲۰ قانون تجارت که به قصد ساختمان، خانه و آپارتمان و محل کسب به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش تشکیل می‌شود از انجام سایر کارهای ساختمانی ممنوعند. در خصوص این ماده باید به دو نکته توجه داشت:

الف- معاملات غیرمنقول مندرج در ماده فوق ذاتاً تجاری است.

ب- معاملات غیرمنقول حتی اگر شرکت سهامی آن را انجام دهد تجاری نیست، مگر در قالب ماده فوق.

۱۲- با توجه به بند ۲ ماده فوق‌الذکر:

«اشخاصی که برای کار خود مبادرت به عملیات حمل و نقل می‌نمایند تاجر محسوب نمی‌شوند؛ زیرا این عمل فرعی بوده و برای رفع احتیاجات آنهاست» (ستوده تهرانی، حقوق تجارت،

ج ۱، ص ۴۷)

۱۳- با توجه به نکته فوق؛ یک راننده اگر صاحب وسیله نقلیه نباشد عنوان کارگر را دارد و اگر خودش صاحب وسیله نقلیه باشد و به صورت انفرادی کار نماید بیشتر مشمول تعریف پیشه‌ور است؛ ولی اگر فردی صاحب بنگاه حمل‌ونقلی باشد که دارای یک ماشین باشد و خود، راننده‌اش باشد عنوان تاجر به او صدق می‌کند؛ همچنین اگر کسی وسایل حمل‌ونقل متعدد داشته باشد و به وسیله رانندگانی که استخدام می‌کند امر حمل‌ونقل را انجام دهد اگرچه خودش هم یکی از وسایل مزبور را براند تاجر محسوب می‌گردد. (ستوده تهرانی، همان، ج ۱، ص ۴۷)

۱۴- متصدیان حمل‌ونقل مسافر، قرارداد آن‌ها تابع قانون تجارت نبوده و تابع قانون مدنی است.

۱۵- متصدیان حمل‌ونقل اشیا قرارداد آن‌ها تابع قانون تجارت است و در این مورد حمل‌ونقل تابع مقررات وکالت در قانون مدنی است.

بنابراین با توجه به م ۳۷۷ ق.ت.ا اگر در قرارداد حمل‌ونقل طرف قرارداد بنگاه حمل‌ونقل باشد و آنچه مورد حمل‌ونقل واقع می‌شود شیء باشد، قرارداد حمل‌ونقل تابع قانون تجارت چنانچه حمل‌ونقل توسط متصدی حمل‌ونقل انجام نپذیرد یا آنچه حمل‌ونقل می‌شود کالا نبوده و مسافر باشد، قرارداد حمل‌ونقل تابع قانون مدنی است.

۱۶- حمل‌ونقل از طریق پست از شمول مقررات قانون تجارت مستثنی شده و تابع قانون مدنی است (م ۳۹۴ ق.ت).

۱۷- با توجه به بند ۳ م ۲ عامل (Agence) کسی است که به نام و حساب دیگری معامله می‌کند؛ بنابراین عامل را باید وکیل تاجر یا تجارت‌خانه‌ای تلقی کرد که او را عامل خود قرار داده است و چون ق.ت. مقررات خاصی برای عامل مقرر نکرده است باید رابطه عامل و آمر او را تابع مقررات ق.م. راجع به وکالت بدانیم.

البته تاجری که با عامل قرارداد منعقد نموده است حق دارد او را عزل کند؛ ولی اگر عزل موجه باشد، باید به عامل خسارت بپردازد. «تشخیص غیرموجه بودن عزل نیز با دادگاه است» (اسکینی، همان، ص ۷۹).

۱۸- قانون‌گذار در پایان بند ۳ م ۲ عبارت «و غیره» را قید کرده است تا تصور حصری بودن مصادیق نشود (اسکینی، همان، ص ۸۰)

۱۹- قانون‌گذار در بند ۳ م ۲ دو مصداق قرارداد غیر تجاری را که تاجر می‌تواند واسطه انعقاد آن‌ها باشد بیان کرده است:

«معاملات راجع به املاک (به‌هیچ‌وجه تجاری نیست) و قرارداد کار بین کارگر و کارفرما (فقط برای کسی که کارگر را برای امور تجاری خود استخدام می‌کند جنبه تجاری دارد)»